

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد بدین بوم و بر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد عمر قریشی- کابل

۲۶ جولای ۲۰۲۱

کوهدامن در باتلاق تضاد های درونی!

(۱)

یکشنبه- ۰۳ اسد ۱۴۰۰ - کابل: آنهایی که به خبرها گوش می دهند حتماً شنیده اند که روز گذشته باز هم دلگی جلادان ریاست "امنیت ضدملی" که به مسما به "نیروهای ویژه صفر" اند، در منطقه "رباط" مربوط و لسوالی بگرام ولایت پروان، در یک حمله غافلگیرانه به گفته خودشان ۱۰ تن از افراد مسلح غیر مسؤول را با اعدام صحرایی به قتل رسانیدند. در یادداشت کنونی بیشتر روی دو نکته تأکید صورت خواهد گرفت، یکی تشدید تضادهای درونی جناح های مختلف جنگسالار و استفاده ابزاری آنها از نیروهای دولت پوشالی در نابودی رقبای شان و دیگری نوع کار "دلگی صفر" و اعدام های صحرایی آنها.

۱- برای آنهایی که با کوهدامن در کل بدون در نظر داشت تقسیمات اداری به واحد های جداگانه، چه از لحاظ جغرافیایی، چه از لحاظ ترکیب نفوسی و تقسیمات قومی و تباری و چه از لحاظ عادات و شیوه های کار در دشمنی و دوستی، آشنائی دارند نیک می دانند که حد اقل از ۴ دهه بدین سو، یعنی از زمانی که باند های وابسته به اسلام سیاسی از پاکستان نفوذ شان را در کل منطقه هسته گذاری نموده به کمک سیلی از افراد بی خبر ولسوالی های غوربند، نجراب، تگاب، کوه صافی، قسماً پنجشیر و سالنگ و صد ها تن پاکستانی و عرب، موفق شدند فرزندان آگاه و متعهد محل را که عمدتاً در سازمان آزادیبخش مردم افغانستان "ساما" متشکل و مسلح شده بودند، با برخورداری از حمایت هوایی اشغالگران روسی یا آنها را در منطقه نابود و یا هم وادار به فرار نمودند و به تعقیب آن نفوذ بلامنازع خویش را گسترش دادند، قشر جدیدی از مدعیان حاکمیت در منطقه به وجود آمد که ما آنها را جنگسالار یاد می نمائیم.

این قشر که با تکیه بر تفنگ دست داشته شان نه تنها "از میله تفنگ نان می خورند" بلکه عزت، آبرو، احترام اجتماعی، مقامات اداری، دارائی و مکنت شان را نیز مرهون تفنگ های شان و قدرت آتشی که دارند، می باشند؛ ضمن آن که با سرکوب مردم و غارت دسترنج آنها در تضاد ماهوی با باشندگان محل قرار دارند جدال و کشیدگی بالای تقسیم منافع خود آن قشر را به اجزای جداگانه تقسیم نموده، باعث شده است تا افراد دفاع از منافع آزمندانه خودشان را با وابستگی های تشکیلاتی به نهاد های متخاصم "اسلام سیاسی" عمدتاً باند های مربوط به "گلبدین" و "ربانی - مسعود" پیش ببرند.

جریان بیش از ۴ دهه جنگ، کشت و کشتار هائی که بین خودشان وجود داشت و یا هم به وسیله متحدان ایدئولوژیک شان طالب و یا هم باداران روسی و امریکائی شان بر آنها تحمیل نمود، باعث شده است که تا اینزمان تعداد زیادی از به اصطلاح کلانهای آنها کشته شوند و مردم از شر شان راحت شوند، فعلاً منطقه کودهامدن به صورت عمده بین دو جنگسالار بیرحم یعنی "الماس زاهد" و "امان الله گذر" تقسیم شده است.

این دو جنایتکار که هر دو به علاوه گذشته خونبار شان در تنظیم های غارتگر اسلام سیاسی، همین اکنون با جناح های مختلف حاکمیت نیز در پیوند اند، به علاوه مبارزه رویارویی که علیه یک دیگر در سطح منطقه انجام می دهند، بسیار ظریفانه و موزیانه از نیروهای امنیتی - استخباراتی دولت دست نشانده به ویژه جلادان "دلگی صفر" نیز بهره جسته، با دادن راپورهای غلط و یا قسماً صحیح، هریک می کوشد دیگری را به دم تیغ برهنه "دلگی صفر" که بهتر است آن را "واحد جلادان" نامید، می سپارند.

نخستین سوءاستفاده آشکار از این نیروها به وسیله "الماس زاهد" برای کشتن هواداران و متحدان "امر الله صالح" در شهر کابل با کشتن یک تن از قومندانهای جمعیتی "غوربند" با تمام فاملیش در خیرخانه صورت گرفت. مسأله ای که اگر "صالح" عقب نشینی نمی کرد، ماه عسل پیوند "صالح" و "غنی احمدزی" را به ماتم "طلاق" آنها مبدل می ساخت. اینک که "امان الله گذر" باز هم فرصت یافته تا تعدادی از نزدیکان خودش را زیر نام "خیزش های مردمی" مسلح سازد، از آنجائی که طرفداران و افراد "الماس زاهد" بزرگترین مشکل کار آنها می توانند باشند، و خود نمی خواستند با آنها درگیری ایجاد نمایند، به همان کاری دست یازیدند که رقیب یک سال قبل انجام داده بود، یعنی آنها را به "واحد مرگ" امنیت ضد ملی سپرده به وسیله آنها حریفان شان را قتل عام نمودند.

هموطنان گرامی!

برای درک چگونگی دشمنی در کوهدامن زمین، خواندن کتاب و تربیت امنیتی- استخباراتی به تنهایی کافی نیست، باید در آنجا سالها با چشم باز زندگی کرد و در فراز و نشیب دوستی ها و دشمنی ها بزرگ شد، تا از افتادن در دامهایی که از طرف توطئه گران آنجا آماده می شود، نیفتاد، امری که برای نهاد های امنیتی دولت دست نشانده، تقریباً غیر ممکن است، از همین رو آنها نوکران دولت دست نشانده را اعدام صحرائی نموده و من بعد نیز خواهند نمود.

ادامه دارد